

شرایط سخت و دشوار عامل مرزبندی دقیق بین جنبش و ضد جنبش است، پیدایش مرزبندی جنبش و ضد جنبش، انقلاب و ضد انقلاب، خود دلیل بر تگمامل مبارزه است، زیرا تنها در چنین صورتی است که برای فرصت طلبی و سازشکاری محل باقی نخواهد ماند.

"مجاهد شهید سعید محسن"

اکنون آمریکا مفتضحانه در تلاش مذبحانه بی دست و پا می زند. ولی در لجنزاری فرورفته است که خودش با آن قدرت عظیم تکنیکی اش نمی تواند و نمی داند چگونه از آن بیرون آید. اینست نیروی خلقها که قادر است بر عظیم ترین تکنیکها و فکرها پیروز شود

"مجاهد شهید علی میهن دوست"

اسناد جدیدی از تهاجم نظامی آمریکا

هلیکوپترها ساعت ۳ و ۵ دقیقه عصر روز پنجشنبه (۲۴ آوریل) از فراز ناوی در ۸۰ کیلومتری ایران در دریای عمان آغاز حرکت کرده اند.
برنامه ای زمان بندی دقیق تهاجم نظامی آمریکا به ایران

کارتر در آخرین نطقش که از رادیوی صدای آمریکا پخش شد بار دیگر بر ضرورت مداخله نظامی علاوه بر محاصره اقتصادی و اقدامات سیاسی تاکید ورزید. محافل حاکم آمریکا مدتهاست که به حمله نظامی به عنوان یکی از راه حلها اشاره می کنند ولی اکنون با توجه به مجموعه عوامل

از انتظار نبوده و نیست. مخصوصا اگر مختصر شناختی از ماهیت جنایتکار امپریالیسم و سابقه اش در کشورهای نظیر ویتنام، کوبا، لبنان و خود ایران داشته باشیم، این امر را به عنوان یکی از طبیعی ترین و محتمل ترین راه حلها خواهیم شناخت. ولی آنچه که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد، این واقعیت است که مداخله نظامی آمریکا بدون کمک و همدمی عوامل داخلی، اساسا غیر ممکن و نامحتمل است و این صرف نظر از کلیه نمونه های موجود، در حمله رذیله نو مودیانهای اخیر امپریالیسم آمریکا که ظاهرا به قصد آزادی گروگانها انجام گرفت چیزی است که حتی مورد پذیرش و توجه اکثر مقامات و دست اندکاران نیز قرار گرفت.

امپریالیسم از توطئه باز نمی نشیند
بنا بر این اگر بپذیریم که: اولاً: تهاجم و مداخله نظامی در این شرایط خاص دردستور کار امپریالیستها قرار دارد و لاقلا به صورت یکی از اصلیتین راه حلها مورد بررسی است.
ثانیاً: عوامل ذی سهم داخلی که یکبار راه را برای امپریالیسم هموار کرده اند. هنوز کوچکترین گزند و ندیده و مستمرا به فعالیتها ضد - انقلابی خود مشغولند.
منطقی ترین نتیجه این خواهد بود که باید منتظر عکس العمل بعدی بقیه در صفحه ۲

مسیری که هواپیما و هلی کوپترهای آمریکا برای تهاجم نظامی به ایران طی کرده و قصد ادامه ای آن را داشته اند.

ساکروز شهادت خسرو روزبه و کشتار زندانیان سیاسی

"ما همانطور که... به حکم غیرت و مردانگی در مورد دستورات و تقاضای خلاف شرافت، فرمول اطاعت کورکورانه را زیر پای گذاریم و دهن آمر را هرگز و در هر مقامی که باشد با سرب پریمی کنیم، باید به امر و جنان از دستورات و اوامری که به ضرر اکثریت فلک زده ای این مملکت و به نفع طبقه حاکمه است، سرپیچی نموده و لوله های مسلسل و توپ را به طرف آنها و به طرف قصرهای باشکوه شان برگردانیم و انتقام ملت بیچاره را از آنها بگیریم و حقان را بازستانیم"

به آنان درس وفاداری به خلق را می آموخت. به آنان یاد می داد که هیچگاه لولوی سلسله ایستادن را به طرف مردم نگیرند، بلکه با آن کاخهای پر شکوه طبقات ظالم و طفیلی را به آتش کشند.
درجه داران و سربازان، علاقه ی زیادی به او داشتند و همواره به انتقالهای متوالی او که حالت نوعی تبعید به خود گرفته بود، اعتراض می کردند. رژیم نیز "روزبه" را در یک جا آرام نمی گذاشت.

روز ۲۲ اردیبهشت سال ۱۳۳۳ عمل حکومت شاه و زاهدی که پس از کودتای ننگینشان در صدد خاموشی هر فریاد اعتراضی بودند، به زندان رشت یورش بردند و پنج تن از زندانیان سیاسی به نامهای محمدتقی اقدام دوست، علی بندلی، هرمز نیک راه، سبز علی محمد پور و محمدتقی محبوب کار را به شهادت رساندند و عده ای دیگری را مجروح و مصدوم کردند.

او بعد از مدتی از ارتش اخراج شد و تحت تعقیب قرار گرفت. یکبار از زندان گریخت و یک بار دیگر طی نقشه ی حساب شده ای همراه با تعداد دیگری از زندانیان سیاسی فراری داده شد. او عضو هیئت دبیران سازمان نظامی حزب توده بود (البته تحلیل مواضع این حزب محتاج مقالات جداگانه ای است. آنچه در اینجا مورد بحث ماست، شخصیت آزاده و موضع انقلابی خسرو روزبه می باشد).

دو هفته پس از این یعنی روز ۶ خرداد، کلیه زندانیان سیاسی زندانهای تهران به عنوان اعتراض به این کشتار بیشرمانه، دست به اعتصاب زدند. ۴ سال بعد یعنی روز ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۳۷ خسرو روزبه، افسر مبارز و قهرمان پس از نزدیک یک سال اسارت و شکنجه به فرمان شاه تیرباران شد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد، سازمان نظامی که او در آن عضویت داشت لورفته باقی ماند. از اواخر سال ۳۲ تیمور بختیار به فرمانداری نظامی منصوب شد و شکنجه ی وحشیانه ی مبارزین را آغاز کرد. روز بقیه در صفحه ۴

بیاد مبارز شهید "وارطان سالاخانیان"

رفت "بیکر منته شده اش را به جاجورد انداختند تا به آغوش خلق باز نگردد، اما محل جنازه افشاند. ارمنی به دست "اسلام پناهان" عثمانی، وجدان هر انسان آزاده ای را می آزارد.
۴ سال بعد یعنی دوم اردیبهشت سال ۳۷ نیز یکی دیگر از رزمندگان ارمنی بنام آرمن آوانسیان، بدست رژیم شاه تیرباران شد.
هم میهنان ارمنی ما همواره در مبارزات رهایی بخش خلق ایران شرکت داشته اند. خاطره ی فدائیان ارمنی در نهضت مشروطیت، حضور فعال آنان در مبارزات قبل و بعد از سال ۳۲، شرکتشان در مبارزات مسلحانه بعد از سال ۵۰ و بالاخره در جنبش عظیم توده های سالی ۵۷-۵۶، هیچگاه از تاریخ مبارزات خلق ایران محو نمی گردد.
درد بر شهدای رزمنده ی ارمنی سلام بر تمامی شهدای خلق توده های ارمنی همواره از ستم

در حاشیه ی انتخابات مرحله ی دوم انتخابات شهرستانها آیا اوضاع بندر لنگه شلوغ است؟؟

انتخابات بندر لنگه وضعیت تعجب آور و مضحکی به خود گرفته است. لازم به توضیح است که در مرحله ی اول انتخابات، آقای عبدالمحمد نظری با اکثریت قاطع انتخاب شده بود. اما این انتخاب مردم، به مذاق واپسگرایان و انحسار طلبان خوش نیامده و اکنون با تلاش و کوشش آنان، این انتخابات باطل اعلام شده است. اوایل کار با مخدوش و باطل اعلام کردن آراء چند صندوق، اعلام می کنند که انتخابات بندر لنگه به مرحله ی دوم می رسد. گفته می شود، علیرغم ابطال آراء چند صندوق، نظری هم چنان حائز اکثریت مطلق ۵۰+۱ آراء بوده است. (البته مسئولین امور راهی های باطل شده را از کل آراء کم نکرده اند.) مقامات مسئول به این هم قناعت نکرده و همین انتخابات مرحله ی دوم رانیز به تعویق می اندازند، شورای هفت نفره ی نظارت بر انتخابات بندر لنگه طی تلگرافی به وزارت کشور به خاطر شلوغ بودن اوضاع؟؟ خواستار به تعویق افتادن آن می شود و وزارت کشور نیز تصویب آن را منوط به موافقت

نحوه ی سربازگیری و آموزش در ارتش شاهنشاهی (۴)

تا بحال در مورد نقش و موقعیت سرباز و شکل استثمار و بهره کشی از او در ارتش شاهنشاهی سخن گفتیم. دیدیم که بنا به ماهیت ضد خلقی رژیم شاه، ارتش و سربازش هم جز در خدمت امپریالیسم و تأمین منافع او نمی توانست باشد. در واقع رژیم با بهانه ی خدمت مقدس سربازی نیروی کار خیل عظیمی از جوانان برونسند این سرزمین را به استثمار می کشید و تحت وحشیانه ترین اشکال و به طرق گوناگون از بیگاری و گماشتگی گرفته تا سرکوب جنبشهای منطقه و رودرو قرارداد دادن ایشان با مردم، آنها را در خدمت اهداف و امیال ضد مردمی خود به کار می گرفت، اینک می خواهیم ببینیم سربازگیری چگونه انجام می شد و هدف و محتوای آموزشهای آنها چه بود.
با توجه به خصلت ضد مردمی ارتش شاه و با درک عینی و ملموسی که خدمتگاه مردم ما از عملکردهای کلی رژیم (که تا مین کنده ی عده ی سربازان او نیز بودند) و از باصطلاح خدمت زیر پرچم کسب کرده بودند، کسی با اشتیاق و رغبت حاضر به مزدوری برای او نمی شد. به همین دلیل تهیه و تدارک مکانیزی برای سربازگیری، انرژی و مخارج عظیمی به گردن ارتش شاه می گذاشت. جز این هم نیست که بین برده و برده دار چگونه می توانست تفاهم و رغبتی برای پذیرش ذلتی که جز منتهی به نابودی استثمار شونده نمی شود، وجود داشته باشد؟ با توجه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق انبوه ۳۰۰۰۰۰ نفری سربازان را فرزندان کارگران و روستاییان و زحمتکشان تشکیل می دادند، برای سربازگیری در محیطهای مختلف شهر و ده، شیوه های متناسب و متفاوتی اعمال می شد.
سربازگیری در مجموع به ژاندارمری واگذار شده بود، با توجه به سطح نازل آگاهی در روستاها بخشی از سربازان که از اینجاناتامین می شد، برای رژیم از اهمیت بیشتری برخوردار بود. از طرف دیگر سیستم به تجربه بی برده بود که تنها عاملی که می توانست این قسمت از سربازان را به خدمت فراخواند، زور و استفاده از قوای قهریه است. با حمله های سوزده و هر چند یکبار ژاندارمها به ده، جوانان، غافلگیر و به عبارت بهتر دستگیر می شدند و روانه ی پادگانها می گشتند. گاه در بین این انبوه دردمند و ستم کشیده، افرادی دیده می شدند که صاحب زن و چندبچه نیز بودند و چند سالی توانسته بودند از اعزاز به خدمت بگیرند. با اطلاعاتی که از آبدادی مجاور در رابطه با آمدن ژاندارمها می رسید، ازده فرار کرده و یکسال به کوه و بیابان پناه می بردند، سال دیگر با رشوه

اسناد جدیدی از تهاجم نظامی آمریکا

بقیه از صفحه اول

*** چرا بعد از ۲۰ روز هنوز مردم ما باید اخبار ضد و نقیض از حمله نظامی آمریکا بشنوند در صورتیکه مدارک زیادی از هلیکوپترها بدست آمده...**

*** منزل بعدی توقفگاه هلیکوپترها در فرودگاه (سیاهکوه) در ورامین بوده است.**

از آنجا که معتقدیم برای آگاهی خلق، باید اهداف و نقشه‌های امپریالیست‌ها افشا گردد مدارک زیر را که از هلیکوپترهای متجاوز آمریکایی بدست آمده است، در اینجا می‌آوریم.

آمریکا، یا عوامل داخلی‌اش که مطمئناً رنگ نظامی نیز خواهد داشت، باشیم و اگر نخواهیم فقط با شعارهای عوامفریبانه با امپریالیسم مبارزه کنیم و از کنار قضیه بگذریم، اولی‌ترین وظیفه و مسئولیت ما این خواهد بود که دستهای جنایتکار و در پس برده‌ی این عوامل مزدور را در پیشگاه مردم میهنمان افشا کرده و اخبار و حقایق دخالل و جنایت‌های ایشان را، با مردم در میان بگذاریم. اخبار این دو هفته نشان می‌دهد که امپریالیست‌ها بیکار ننشسته و هر دم در گوشه‌های آتشی افروخته‌اند. پس از حرکت ناوهای آمریکایی به سمت خلیج فارس و ندادن نیرو، یک روز خبر از حمله‌ی هواپیماها و انفجار بمب در بوشهر می‌رسد، روز دیگر ۸ هلیکوپتر آمریکایی در حوالی طبرستان دیده می‌شود و بیکار اخبار بمب‌گذاریها و تیراندازی به طرف محل نگهداری گروگانهای آمریکایی در مشهد از معمول‌ترین اخبار افواه مردم است و... بهایی هم که تا به حال فقط در رابطه با همین جریانات پرداختیم کم نبوده است که اولین آنها به شهادت رسیدن یکی از برادران پاسدار در طبرستان در هنگام گلوله‌باران هلیکوپترهای ای‌ج‌ام‌ان‌ده از آمریکا و شهادت و مجروح شدن چندین تن دیگر در نتیجه انفجار بمب در تهران... بوده است.

ضربه به اعتماد مردم

از طرف دیگر اولین تجربه‌ای که از انقلاب گذشته‌مان داریم و طبیعتاً در این مرحله مبارزه ضد-امپریالیستی، با اهمیت و ضرورتی چشمگیرتر به کار خواهد آمد، شرکت فعال عموم مردم و امید و اعتماد آنها به کسانی است که زمام امور را در دست دارند. چیزی که متأسفانه مخصوصاً در عملکردهای اخیر ملحوظ داشته نشده و حتی موجب بی‌اعتمادی فراوان نیز گشته است. بدیهی است هنگامیکه خبر و علت سقوط هواپیماهای دشمن و شکست توطئه‌های بگونه‌ای کاملاً مغایر با واقعیت در اعلامیه‌ی ستاد ارتش انعکاس می‌یابد، و در حالیکه ارتش خود پس از اعلام کارتر به جزئی از وقایع واقف می‌گردد ولی گفته می‌شود که تعقیب هواپیماهای ایرانی موجب سقوط آنها گشته‌اند، چگونه مردم تکذیب ستاد ارتش در مورد مداخله‌ی مجدد هلیکوپترهای آمریکایی و وجود آنها در بیابانهای اطراف طبرستان باور خواهند کرد؟

چگونه است که پس از گذشت ۲۰ روز از اولین حمله‌ی آمریکا هنوز مردم ما مجبورند اخبار ضد و نقیض بشنوند و تازه اخبار دست اول را از خبرگزاریهای خارجی بگیرند؟ و این در حالی است که بنابه اذعان خود مقامات، اسناد بسیار مهم و از نظر آمریکا محرمانه‌ای، که می‌تواند جزئیات واقعه را مشخص کرده و برده از بسیاری توطئه‌های بعدی بردارد، در اختیار ایشان است. چگونه است که پس از گذشت این همه مدت، بسیاری مسائل مهم جدی گرفته نمی‌شوند (رجوع شود به مقاله‌ی «چندسوال درباره‌ی تهاجم نظامی آمریکا») و هنوز عکس‌العملی در قبال افرادی که در مظان اتهام قرار دارند، صورت نگرفته است؟

| TO | | VIA | |
|--------------------------------|------------|---------|--------|
| MAINTAIN | | | |
| DEPARTURE DAY 2 LAGGER TO EVAC | | | |
| ENROUTE FREQUENCIES | | | |
| TIME OFF | | | |
| TIME ON | | | |
| ROUTE | FIX | CUS | ETA |
| TP1 | ROAD STAKE | 320/120 | 31 +16 |
| TP2 | ROAD STAKE | 309/120 | 09 +05 |
| TP3 | ROAD STAKE | 281/120 | 10 +05 |
| LAGGER | ROAD STAKE | 180/100 | 05 +10 |
| EVAC | ROAD STAKE | 239/100 | 09 +10 |

می‌کنند. پس از عبور از بندرتنگ ۹ کیلومتری بندر چاه‌بهار وطنی ۲ ساعت و ۲۸ دقیقه در رباط خان فرود آمدند. (این محل برای سوختگیری در نظر گرفته شده بود) بقیه مسیر برنامه‌ریزی شده، به علت سانحه، طی نشده، ولی طبق برنامه‌ی مندرج در جدول قصد داشتند پس از توقف یک‌ساعت در رباط خان و طی مسافتی در مدت ۲ ساعت و ۱۳ دقیقه به فرودگاه "سیاهکوه" ورامین که به تازگی توسط پاسداران کشف شده وارد شوند. در اینجا هم توقف یک ساعتی برای سوختگیری و سایر آمادگیها پیش‌بینی می‌گردد.

چرا باید با وجود طی مسافتی طولانی، رادارهای ایران نتوانند آنها را بگیرند؟ (رجوع شود به نقشه) در فرودگاه ورامین چه تمهیداتی و توسط چه کسانی صورت گرفته و چگونه فرودگاه آمادگی پذیرش هواپیما و هلیکوپتر شده است؟ نقطه‌ای در شمال تهران که نیم ساعت نیز در آن توقف داشته‌اند کجا بود؟ (T.P.3) آیا مقرر شده بود است؟

هواپیماها و هلیکوپترها چه مقاصد مهماتی با خود حمل می‌کردند؟ عبور از بالای پالایشگاه تهران به چه انگیزه‌ای صورت می‌گرفته؟ آیا قصد خرابکاری نداشتند؟ آیا توقف ده دقیقه‌ای در امجدیه برای رهایی گروگانها کافی بوده؟ وظیفه‌ی عوامل مزدور داخلی در این رابطه چه بوده است؟ با توجه به کلیه‌ی موانع موجود در این طرح، چه کسانی با چه مقدرات و امکاناتی از داخل می‌بایست آنها را همراهی کنند؟

با کشف و افشای توطئه‌های ردیابانه و ضد مردمی امپریالیسم، مبارزه‌ی ضد امپریالیستی خلق عمق بیشتری ببخسیم.

| نقاط عبور | زمان پرواز تخمینی | مسافت به مایل | ملاحظات |
|------------|-------------------|---------------|-----------------------------------|
| TP1 | ۱۴ دقیقه باطله | ۳۱ | ۲۰ کیلومتر شمال شرق تهران |
| TP2 | ۲۱ | ۹ | ۱۰ کیلومتر شرق تهران (پالایشگاه) |
| TP3 | ۲۶ | ۱۰ | شمال تهران - نزدیک سیرجان |
| انفجار | ساعت | - | در شمال تهران - سمت دانشگاه تهران |
| انفجار دوم | کمی بعد از دقیقه | ۵ | در تهران (امجدیه) |
| توقف در | در دقیقه | ۱۵ | جنوب غربی تهران - پالایشگاه نفت |
| در | کیلومتر | ۴۰ | در جنوب غربی تهران |
| محل خروج | کیلومتر | ۹ | کرکس - طرفت - با نظر |

نحوه‌ی سر بازگیری و...

دشمن کشیدن کاری که نان آور خانه به عهده داشت و عدم اطلاع از سرنوشت فرزندشان که مدت‌ها از او بی‌خبر بودند. آیا این دلیل برای فرار از خدمت مقدسی که رژیم او را بر انجاش واداشته بود کافی نیست. و آیا مجازاتهایی از قبیل افزایش دوسال به خدمت سربازی به ازای فرار بیش از سه بار، می‌توانست او را به تن دادن به سیستم سنگین ارتش وادارد؟ صحنه‌های دادگاههای دادرسی ارتش که سربازان را به جرم فرار از سربازی به محاکمه می‌کشیدند بسیار دیدنی بود. حتی خود دادستان هم می‌پذیرفت که انگیزه‌ی فرار سرباز مثلاً تحت تکفل داشتن ۷ سر زن و فرزند و مادر پیر است. راستی شاید عقبت نغرتی که مادر پیر و کودک خردسال این سرباز هنگام دستگیری توسط ژاندارم‌های رژیم در سراپای وجود خود حس می‌کردند...

در حاشیه‌ی انتخابات...

بدیهی است به محض فراهم آمدن شرائط مساعد در اولین فرصت ممکن نسبت به انجام انتخابات در حوزه‌ی انتخابیه‌ی مذکور اقدام خواهد شد. محمد رضا مهدوی کنی، سرپرست وزارت کشور، ۵۹/۲/۱۴. ملاحظه می‌کنید در نهایت انتخابات بندرتنگه باطل اعلام می‌شود، آن هم به بهانه‌ی احتمال درگیری، قبلاً هم دیدیم. دلیل به تعویق افتادن انتخابات را شلوفی شهر قلنداد می‌کنند! راستی مگر در بندرتنگه چه خبر است؟ آیا در رابطه با انتخابات درگیری اتفاق افتاده؟ آیا قتل و خونریزی شده؟ پس چه اتفاقی افتاده و چه شلوفی به بار آمده که بدان وسیله انتخابات باطل اعلام شده؟ چرا در مطبوعات کشور از اخبار این شلوفی‌ها مندرج نشده است؟ راستی

بقیه از صفحه اول

هم "ریش و قیچی در اختیار طبقه حاکم و ارگانهای حکومت کننده‌اش قرار داشت. گرفتن کار، جواز کسب، اخذ گواهینامه، مسافرت و خلاصه همه چیز منوط به داشتن گواهی پایان خدمت یا معافی بود. کارگرانی که به علت نداشتن برگ پایان خدمت به طور غیررسمی به استخدام درمی‌آمدند مجبور بودند با منتهی‌القدر کارفرما بر سر آنها نهاده بود. یادآور بار گرونتف مزد معمولی کار کنند و کم نزنند. چرا که سرمایه‌دار باصطلاح او راقاجاقی استخدام کرده بود و قادر بود هر موقع که اراده کند وی را به گوشه‌ی خیابان برتاب کند. آیا کارگر راحت‌تر نمی‌دید که دوسال سربازی را بهرچنان بگذراند که شده سبزی سازد و در عوض بتواند لااقل با خیال راحت تن به استعمار دهد... با این حساب می‌بینیم که اینجاست زور قوانین سرمایه‌داری بسی برنده‌تر از قدرت ژاندارم بود. تازه در کنار کلیه این مقررات، غیبت بیش از ۱۵ روز، فرار محسوب می‌شد و اگر سه بار تکرار می‌شد جزایزش افزایش خدمت به ۴ سال بود. گویا رژیم از نفرت سربازان از این خدمت اجباری آگاه بود که حتی برای مجازاتشان، آنها را به اسارت بیشتر موظف می‌کرد.

بقیه از صفحه اول

البته این قوانین و زورگوییها تاجایی اعمال می‌شد که به طبقات محروم اجتماع که دستشان از همه‌جا کوتاه بود محدود می‌شد. و الا بدیهی است در مورد کسانی که خودشان واضع این قوانین بودند و اساساً این آئین‌نامه‌ها و مقررات هدفی جز بقای سیستم و روابط موجود به نفع آنها را دنبال نمی‌کرد، شامل نمی‌شد. فرزندانی از مابهران و نورچشمی‌ها، با هزار دوز و کلک و پارتی‌بازی و رشوه‌پردازی به راحتی از خدمت زیر پرچم معاف می‌شدند و راهی فرنگستان می‌گشتند. بدین ترتیب همه ساله انبوهی از جوانان راهی خدمت نظام وظیفه می‌شدند و حتی به قول خود امراء می‌فرمودند: «دوران تازه‌ی درزندگی آنها آغاز می‌گشت».

(ادامه دارد)

مواسم بزرگداشت مجاهد شهید شریف واقفی در منزل رضائی های شهید

هفت سخنرانی

اداجه نصرالله وفتح و رایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا. فسبح بحمد ربك واستغفره انه كان توابا

در مطلع پیروزی هم استغفار و به یاد نقاط ضعف بودن اولین نکته ای است که بایستی مورد توجه قرار گیرد. ما در برخورد با جریان مجید و حادثه های که پیش آمد به این مسئله دقت کردیم تا در نتیجه شکست را به پیروزی تبدیل کردیم. این بود که در مقابل انحرافات درونی ایدئولوژیک در مقابل اصول کوتاه نباید آمد، به هر قیمت و به هر دلیلی که می خواهد باشد، و الا سازمان انقلابی از درون محکوم به زوال است، میکرب در داخل می ماند. انحراف هر قدر کوچک باشد، انحراف ایدئولوژیک در درون سازمان انقلابی قابل تحمل نیست کما اینکه باید مبارزه کرد با کسانند که به سمت اسلامی که می خواهد در درون خودش طبقات و استثمار را تثبیت کند، اسلامی که دیگران را به دلیل اعتقاد به جامعه بی طبقه توحیدی متهم به ناسلامان بودن می کند در مقابل این اسلام و حضور این اسلام در درون صفوف سازمان نباید سازش کرده. وقتی که داستان مجید اتفاق افتاد بسیاری از افراد که فقط خطر را در ماتریالیسم دیدند و فکر نکردند که یک خطر دیگری هم هست همان خطری که تا امروز زنگار آن اسلام را گرفت و نگذاشت اسلام رشد نکند، آن خطر را ندیدند در دافعه ای این جریان اقتادند به دامن جریان های ارتجاعی تا آنجا پیش رفتند که حتی در درون زندانها تبلیغ می کردند که دیگر فایده ای ندارد، تبلیغ می کردند که اگر با رژیم مبارز نکنیم، مارکسیست ها استفاده می کنند!! مجاهدین دیدید آمدند و با رژیم مبارزه کردند، آخرش از میانشان مارکسیست بیرون آمد. با چنان افتادند به این طرف که پادشان رفت که نفی استثمار جوهر ذاتی خود توحید است، اگر دیگران هم این را دارند به عوض این که توحید دارد فی الواقع دارند، مال نفی استثمار مال دیگران نیست، مال مارکسیستها تنها نیست که ما به عاریت گرفته باشیم، لذا آنها افتادند در فاز تائید طبقات، یا گفتند: که علم و دانش با اسلام سازگار ندارد، نتیجتاً راه کج شد ولی ما در همان موقع در عین این که در جبهه مبارزه با امپریالیسم با رژیم می جنگیدیم، فراموش هم نمی کردیم که مبارزه با ابورتونیسیم نباید باعث شود که ما به اسلام ارتجاعی پناه ببریم، ولی عده ای بودند، بودند و باختند.

این قدر بر سر و کول هم زدید و از دشمن غافل شدید، تا این که تهاجمات بر علیه شما شروع شدو بختیار دوباره سرک کشید و به نفع شاه در مملکت کارت پخش شد، و مملکت علیکم الاطوان..... و امپریالیسم آمریکا دوباره ماشین جنگیش را در یک نقطه پیاده کرد و همین طوری می شود.

والله یمیت القلب ویجلب الهم اجتماع هؤلاء القوم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم. به خدا دل می میرد (به شرطی که زنده باشد) و غم قلب آدم را فرامی گیرد، از این که طرف مقابل (امپریالیست ها) بر باطل خودشان یک بارچه عمل می کنند و ما بر حق

این اولین درسی که ما یاد گرفتیم و قاطعانه رویش ایستادیم که در قبال اصول و ایدئولوژی نباید سازش کرد، این همان درسی هست که بعد از پیروزی انقلاب به آن وفادار ماندیم از همان موقع یاد گرفتیم و امروز هم رشدمان را مرهون همان هستیم. دیگران ذوب می شوند، ما رشد می کنیم. ما آن روز بلافاصله (روزهای بعد از انقلاب) بر پایه دیدگاه توحیدی اصولی دانستیم که بله انقلاب پیروز شده است، ولی خط اصلی آمریکا است، همیشه یک دشمن اصلی یک کفر وجود دارد، سران کفر را فراموش نکن، گفتیم که باید بی گبرانه به شبکه های ساواک و سیا پرداخت، گفتیم که ارتش را برتونس را باید از عناصر وابسته به رژیم قلی پاک کرد، و ارتش خلق ایجاد کرد. و گفتیم و گفتیم، استناد کردیم تا این که به ما مارک مخالف با اسلام و انقلاب زدند و ما را زیر فشار گذاشتند. ولی ما می دانستیم که اگر روی این اصول سازش بکنیم ذوب می شویم و از بین می رویم، ما می دانستیم که اینها نان پیروزی را می خوردند، نان شهدا را می خوردند اینها ذوب خواهند شد، متفرق خواهند شد، کما این که در این یک سال شدند و کاری نداشتند جز از دست دادن تمام حمایت هایی که

بدست آورده بودند و برعکس ما رشد کردیم، رشدی که بر پایه اصول است، امروز طبیعی است که وجدان مردم وقتی که برگردد و نگاهی به یک سال گذشته بکند، موضع گیری های مجاهدین را نگاه بکند خودش خواهد گفت که راست می گفتند، راست می گفتند، که دشمن بالای سرمان است این قدر هیستری ضد نیروهای انقلابی راه نیاندازید، این نه به خاطر طرفداری از آن نیروها یا مکتب بود، بلکه به خاطر خود اسلام است که اگر فردا غافل بشویم به جنگ با این نوع شیعه و سنی و مارکسیست و مسلمان بیفتیم، کی ضرر می کند؟ امروز برمی گردند نگاه می کنند، می بینند، ما که درست گفتیم خطر آمد تا بیخ گوشمان و بر سر ما همان آمد که علی (ع) فرمود: فتواکلمتم و تخاذلتم حتی شنت علیکم الفارات، و مملکت علیکم الاطوان.....

این قدر بر سر و کول هم زدید و از دشمن غافل شدید، تا این که تهاجمات بر علیه شما شروع شدو بختیار دوباره سرک کشید و به نفع شاه در مملکت کارت پخش شد، و مملکت علیکم الاطوان..... و امپریالیسم آمریکا دوباره ماشین جنگیش را در یک نقطه پیاده کرد و همین طوری می شود.

والله یمیت القلب ویجلب الهم اجتماع هؤلاء القوم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم. به خدا دل می میرد (به شرطی که زنده باشد) و غم قلب آدم را فرامی گیرد، از این که طرف مقابل (امپریالیست ها) بر باطل خودشان یک بارچه عمل می کنند و ما بر حق

این اولین درسی که ما یاد گرفتیم و قاطعانه رویش ایستادیم که در قبال اصول و ایدئولوژی نباید سازش کرد، این همان درسی هست که بعد از پیروزی انقلاب به آن وفادار ماندیم از همان موقع یاد گرفتیم و امروز هم رشدمان را مرهون همان هستیم. دیگران ذوب می شوند، ما رشد می کنیم. ما آن روز بلافاصله (روزهای بعد از انقلاب) بر پایه دیدگاه توحیدی اصولی دانستیم که بله انقلاب پیروز شده است، ولی خط اصلی آمریکا است، همیشه یک دشمن اصلی یک کفر وجود دارد، سران کفر را فراموش نکن، گفتیم که باید بی گبرانه به شبکه های ساواک و سیا پرداخت، گفتیم که ارتش را برتونس را باید از عناصر وابسته به رژیم قلی پاک کرد، و ارتش خلق ایجاد کرد. و گفتیم و گفتیم، استناد کردیم تا این که به ما مارک مخالف با اسلام و انقلاب زدند و ما را زیر فشار گذاشتند. ولی ما می دانستیم که اگر روی این اصول سازش بکنیم ذوب می شویم و از بین می رویم، ما می دانستیم که اینها نان پیروزی را می خوردند، نان شهدا را می خوردند اینها ذوب خواهند شد، متفرق خواهند شد، کما این که در این یک سال شدند و کاری نداشتند جز از دست دادن تمام حمایت هایی که

نشاند، دارد کشف می شود و ما چه کردیم و ساواکی ها را آزاد کردیم و مجاهدین را در بند کشیدیم. بارها گفتیم که نمی شود هم به ضدیت با مجاهدین و نیروهای ضد امپریالیست برخاست و هم ادعای مبارزه با امپریالیسم داشت. گفتیم این قانونه اگر یک کسی به ضدیت با یکی برخورد، به سمت دشمن او نزدیک می شود و مجاهدین سروهای اصل و صد امپریالیست این مملکت هستند. با آنها آدم را به سمت امپریالیسم آمریکا می کشد، رابطه است بین اسد

ما در همان موقع در عین اینکه در جبهه مبارزه با امپریالیسم با رژیم می جنگیدیم، فراموش هم نمی کردیم که مبارزه با ابورتونیسیم نباید باعث شود که ما به اسلام ارتجاعی پناه ببریم، ولی عده ای بودند و باختند.

موسی در خانه ی خودش مورد بیکار قرار نگرفت مگر این که دلیل شد. و مگر امروز آمریکا صحنه ی جنگ را به خانه ی ما نگذاشته؟ و مگر کویر جزو خانه ی ما نیست؟ و این کسانیکه شکست آمریکا را این چنین بزرگ می کنند و صرفاً بخدا که همه چیز از خداست، می خواهند این را بصورت معجزه های جنان بالا ببرند که مردم را در قبال حوادث بی خیال و خام بکنند که فکر بکنند خدایمیشه به ما رحم خواهد کرد بیکار رحم کرد. یک بار انجام حجت کرد باردیگری؟ و چه کردیم توی این مدت بعد از اینکه امپریالیسم آمریکا اینجا دخالت کرد هر روز که هر روزه هلی کوپترهای نوینی که امپریالیسم آمریکا اینور و آنور

است که در یکی، تهاجم نظامی به تدریج به رسمیت شناخته شده بود در دیگری انقلاب از درون، بایستی بر سر مردم ایران منفجر بشود البته شکی نیست که امپریالیست ها خیلی خوب انعطاف دارند یعنی هیچ اشکالی برایشان ندارد ولو یکی طرح مشخصی از خودش دارد. طرح دیگری را هم تا آنجا که صرف می کند باز اجراء کند. منظورم این است که تمام اینها، می تواندم زمان و توانما پیاده بشود. خوب، اینطور بود که بلافاصله بعد از جریان هواپیماها و تجاوز مسلحانه ی نظامی امپریالیسم ایران تا زمینه ی تحریکات و بعدش طرف آماده کند.

در گزارش سرویس خبری مخفی در تاریخ ۲۸/۱/۷۹ طرحی، ارائه شد. که به شرح زیر است: "۱- کوشش برای برانگیختن همکاری نیروهای موجود علیه سازمانهای انقلابی. ۲- نفوذ تدریجی آژانس های اطلاعاتی و (CIA) و دیگر سازمانهای جاسوسی در سطوح سازمانهای مختلف ایران تا زمینه ی تحریکات را از هر طرف آماده کند.

مطبوعات خارجی چه میگویند:

خاورمیانه به علت موقعیت استراتژیکی و نیز به دلیل وجود مهمترین منابع نفت در آن، از چنان اهمیتی برخوردار است که سر-کردگان امپریالیسم آن را یکی از مهمترین نقاط استراتژیک جهان اعلام کرده اند. وجود منابع محدود نفت در دنیا و تقاضای فزاینده ی مصرف این ماده، موجب شده است که اقدامات وسیعی در جهت حفظ ادامه ی جریان نفت صورت گیرد، در طرف دیگر این قضیه بپاخاستگی و بیداری توده های وسیع در کشورهای تحت ستم به ویژه خاورمیانه است، که اصلی ترین تهدید برای جابوا امپریالیستی به حساب می آید. در این جاست که زرمه های نیازآبران به فروش نفت سرداده-م، شود و تگابو برای بالابردن تولید، توسط کشورهای وابسته و اقمار امپریالیستی، آغاز می شود تا قطع نفت ایران را به حربه ای برای فشار علیه خود ما بکار گیرند، اما از آنجا که این گونه اقدامات در صورت مواجه شدن با یکپارچگی و مقاومت خلق، بی اثر خواهد بود، شیوه و مشی اعمال زور از طریق تهاجم و یورش نظامی مطرح می گردد. مبارزه ی خلق ایران به عنوان نقطه ی کلیدی برای منطقه، بی شک دارای بازتاب و اثرات وسیعی در خیزش توده های مردم منطقه داشته است که ادامه ی آن ضرورت توسل به اقدام نظامی را برای امپریالیسم ایجاد می کند.

کارشناسان نفتی اظهار می دارند قطع صدور نفت موجب زیان ایران خواهد شد.

از هرالد تریبون (فرانسه) ۱۰ آوریل ۱۹۸۰ (۲۱ فروردین) - کارشناسان نفتی آمریکا و انگلستان می گویند: در صورتی که زاین و انگلستان در تحریم اقتصادی علیه ایران شرکت کنند، ایران در تهدید خود دایر بر قطع صدور نفت به این دو کشور به علت وجود مازاد نفت در جهان با مشکلاتی روبرو خواهد شد. - یک کارشناس نفت در آمریکا اظهار داشت: به علت مشکلاتی که ایران در صنایع داخلی با آن روبرو می باشد، این کشور بیشتر از هر زمان به درآمد نفتی خود احتیاج دارد. - در صورت قطع نفت ایران به زاین و اروپای غربی، امکان مسدود نمودن دارائی های ایران به وسیله کشورهای اروپائی نیز مانند آمریکا می رود، که احتمالاً با مسدود شدن آنها ایران از سیستم بانکی بین المللی کنار گذاشته خواهد شد، و در نتیجه نمی تواند از درآمدهای نفتی خود به طور موثرتری استفاده نماید.

حربه ی بی اثر ایران

از گاردین (انگلستان) ۹ آوریل ۱۹۸۰ (۲۰ فروردین) - ایران بعد از انقلاب، دوستان زیادی در خاورمیانه ندارد، زیرا قیام اسلامی و شوق ناشی از آن تنها ممکن است، احساسات مردم را در کشورهای منطقه برانگیزد، اما از نظر حکومت ها، انقلاب (امام) خمینی خطر وجود آمدن نهضت های مردمی را در کشورها رشد خواهد داد، که در یک تداوم زنجیره ای باعث سقوط رژیم های عربی خواهد گردید. - تهدید ایران به وسیله تحریم نفت، که آخرین سلاح این کشور در یک نمایش احساسی علیه وانگتن می باشد، تنها سلاح ایران نیز محسوب می گردد. ولی این سلاح نیز به خاطر موقعیت بازار نفت، حربه ی بی اثری است.

" مصاحبه با هربرت - سی - لوینسکی (رئیس موبیل اویل) درباره ی امکان قطع نفت ایران "

از: اشپیکل - چاپ آلمان ۱۴ آوریل ۱۹۸۰ (۲۵ فروردین) لوینسکی: قطع صدور نفت ایران موجب مشکلاتی خواهد شد، ولی به یقین بحران حادی به بار نخواهد آورد. - در صورت قطع صدور نفت ایران، ما به دلیل سیستم ارتباطی موجود، آن را از منابع دیگر تهیه خواهیم کرد.

ایران حربه ی نفت را از دست می دهد

از: دیلی تلگراف (انگلستان) ۱۰ آوریل ۱۹۸۰ (۲۱ فروردین) - به علت وجود مازاد تولید نفت در جهان و آرام نبودن مناطق نفت خیز ایران، این کشور حربه ی نفت خود را از دست داده و قادر نیست که کشورهای اروپائی را که در مجازات های اقتصادی و دیپلماتیک علیه ایران شرکت می کنند با این وسیله " تنبیه " نماید. - بنا به اظهار نظر کارشناسان نفتی، در نتیجه ی کاهش در میزان تقاضای نفت، اکنون روزانه یک میلیون بشکه نفت خام مازاد بر احتیاجات بازار جهانی نفت عرضه می گردد. - مقدار نفتی که هم اکنون ایران به خارج صادر می کند، بیشتر از مازاد نفت عنوان شده در بازار نفتی جهان نمی باشد. - در نتیجه تولید نفت زیادتر از مصرف، مازاد نفتی جهان، برای نفتی که در قراردادهای دراز مدت به فروش می رسد، بازار آزاد وجود ندارد.

هیأ هو در غرب

از: دیلی تلگراف (انگلستان) ۱۶ آوریل ۱۹۸۰ (۲۷ فروردین) - در حال حاضر آفتنگی و شک و دو دلی زیادی در غرب وجود دارد. به قول معروف سیم اتصالی پیدا کرده و امور غیر قابل درک شده است، که این امر موجب گشته میان وانگتن و اروپا تبادل نظر کم صورت گیرد، و وانگتن، متحذاتش را متهم ساخته که وظایف خود را انجام نداده اند، گذشته از درستی این مطلب، این مسئله ناشی از اوضاع نامتعادل کاخ سفید و وزارت خارجه ی آمریکا نیز می باشد. - بحران (ایران) در واقع بزرگتر از تجاوز شوروی به افغانستان است. غرب باید هر چه زودتر در بدست آوردن مجدد برتری نظامی خود بکوشد، تا خطر پیدایش یک جنگ مصیبت بار را کم کند.

فقط باعث لورفتن خودم خواهد شد این توطئه وارد کرد، چه رفت و مخارج توطئه تماماً توسط شاه برگشت اطلاعات دیگر به سرعت و پرداخت می شود. سقوط سفارت کامل انجام نمی گرفت. آمریکا ضربه ی بزرگی به برنامه ریزی (ادامه دارد)

نگاهی به اخبار و رویدادها

دست پیدا و آشکار
امپریالیسم در ایران

هر صدای بمبی، که در گوشه‌ای از خاک ایران شنیده می‌شود، هر پرواز مشکوکی، که بر فراز شهری انجام می‌گیرد، هرگونه توطئه علیه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست که اوج می‌گیرد، و هر... همه و همه حکایت از حضور فعال امپریالیسم، در خانه‌ی ما می‌کند. زمانی تصور می‌شد، که امپریالیسم باید با چشم آبی و موی بور، ظاهر گردد، تا حضورش را باور نمانیم. اکنون آمریکا، تا این حد، در ایران حضور پیدا کرده است که حتی از فرودگاه‌های دور افتاده‌ی ما، برای فرود نیروی خود استفاده نموده و بدراحتی در آسمان ایران به پرواز در می‌آید. جای تعجب نیست که "هارولد براون"، وزیر دفاع آمریکا، از افشای جزئیات برنامه‌ی اعزام تفنگداران آمریکایی به ایران، خود - داری کرده و آن را برای برنامه‌های بعدی مضر می‌داند. اگر طرح تجاوزکارانه‌ی کاتر، در حمله‌ی نظامی اخیر، به شکست منتهی گردید، ولی برای جبران شکستش از هیچ کوششی دریغ نمی‌نماید، چرا که می‌بینیم، یک هفته بعد از این شکست، دستور می‌دهد تا دست اندرکاران، حمله‌ی مجددی را طرح ریزی نمایند. طرحی که مسلماً با استفاده از تجارب اولین حمله‌ی نظامی و تکیه به عوامل داخلی و با شناخت جو سیاسی حاکم بر ایران، تنظیم و پیاده می‌گردد. حال جای این سؤال، که بارها و بارها توسط نیروهای انقلابی مطرح گردیده، باقیست که با توجه به مسائل فوق‌الذکر، آیا راهی جز تصمیم به یک مبارزه‌ی همگام و همه‌جانبه با امپریالیسم جهانیست که وجود دارد؟ یا زمان آن رسیده که حضور آمریکا، به مثابه‌ی ماری در آستین، مقابله گردد؟ و این بار، نه مقابله با جای پا، که با دست پیدا و آشکار آن؟

ایل تیمو (اول ماه مه ۱۹۸۰) - رورامی دلی تلگراف، می‌نویسد، سر از صد کاندو - به ایران وارد شده بود. به عقده‌ی این روزنامه - ساحت امپریالیسم، هنوز در ایران همد و حضرات ساسانی آنها هم کم - ربا آنها، در طول این مدت در اسرار مخفی بوده و دارای باسورهای ترکی، مصری و پاکستانی بوده و شناسایی آنها بعد بوده است.

۱۴ اردیبهشت - ۳ خارجی و ۴ ایرانی، در رابطه با نمب - گذارهای تهران، به منجر به کشته و مجروح شدن ۳۵ نفر شده است، دستگیر شدند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس (۱۵ اردیبهشت) - سنیوزیک: ... این مأموریت (طرح نجات گروگانها) می‌توانست، جان ۲۵۰ آمریکایی دیگر را که مقیم تهران هستند، احتمالاً به خطر بیندازد.

خبرگزاری تاس (۱۸ اردیبهشت) - جاسوسان آمریکایی، فعالانه کوشش می‌کنند که یک شبکه‌ی بزرگ جاسوسی، تأمین کنند و عوامل خود را به سرتاسر ایران و دیگر کشورهای منطقه اعزام دارند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس (۲۱ آوریل ۱۹۸۰) - سنیوزیک تایمز می‌نویسد، آمریکا می‌خواهند، در سال گذشته ارتش را به سوی یک کودتا سوق دهند.

این امر، که اکنون "نیویورک تایمز" داستانهایی قدیمی را به جریان انداخته، یک خطراتی برای گروگانهاست و انتشار این مطلب، می‌تواند این مفهوم را داشته باشد که تصمیماتی را که کاتر برای افعال نظامی در ایران اتخاذ کرده، درین بست قرار دهد.

روزنامه‌ی دیولت چاپ هامبورگ (۱۷ اردیبهشت) ۱۲۵ - تن از عمل کارد سابق شاه مخلوع به همراه سربازان ویژه نیروی دریایی آمریکا در عملیات رهایی گروگانها از سفارت آمریکا در تهران که منجر به شکست شد، سهمیم بودند.

۲۰ اردیبهشت (صدوقی) - به من خریدارند، دوباره هواپیمای آمریکایی، به منطقه‌ی طیس آمدند و از طیس به ژاندارمری یزد تلفن شد، تا برای کمک به منطقه بروند، اما متأسفانه هیچکس در هنگ ژاندارمری نبوده است.

از سرویس خبری مجاهد:

در شهرستانها چه می‌گذرد...؟

بشهر: صبح پنجشنبه ۲/۱۹ به دنبال مقاومت ۵ روزه افراد دستگیرشده‌ی انجمن جوانان موحد بهشهر و خود - داری از خوردن غذا در این مدت (خبر مندرج در نشریه‌ی مجاهد شماره ۶۰) تن از آنان را به زندان شهرانی می‌برند. روز جمعه ساعت ۱۰/۵ صبح دادستان دادگستری بهشهر و فرماندهی سپاه شهر وفردی به نام حاجی زاده عده‌ای از مادران را جمع کرده و از آنان می‌خواهند تا برگه‌ای را امضا کرده و فرزندان خود را ببرند. که مادران با این کار مخالفت می‌کنند و خواستار آزادی تمام فرزندان خود می‌شوند. در حدود ساعت ۱۱ شب به افراد بازداشت شده اخطار می‌نمود که ۳ دقیقه وقت دارید تا از محل زندان سیاه خارج شوند، افراد بازداشت شده، قید می‌کنند به شرطی حاضرند آنجا را ترک کنند که تمام دستگیر شدگان بدون قید و شرط آزاد شده و انجمن نیز از عناصر غیرمسئول تخلیه شده. در همین حال حدود ۸۰ نفر از افراد بسیج شده به سمت زندانیان یورش برده و با ضرب و ستم آنها را بیرون می‌کنند که در نتیجه‌ی این تهاجم سر یکی از هواداران به نام اشرفی می‌شکند.

تصحیح با معذرت

متأسفانه در ویژه نامه‌ی مجاهد در مورد انتخابات مرحله‌ی دوم مربوط به شهرستان تبریز مصاحبه و پیام برادر مجاهد موسی خیابانی اشتباهاً به نام برادر مجاهد احمد حنیف‌نژاد نوشته شده که به این ترتیب اصلاح می‌گردد.

ساکر و شهادت خسرو روزبه و ...

۱۲ اردیبهشت "کوچک شوستری" در شکنجه‌گاه به قتل رسید و شش روز بعد وارطان سالخانیان پایردانه در مقابل شکنجه‌گران لب نکشود، بیکر منته شده‌اش را به جاجورد انداختند سازمان نظامی محل جنازه‌ی وارطان را به حزب اطلاع داد. وارطان راز جاجورد گرفتند و در سلیمانیه به خاک سپردند. سازمان نظامی به دلایل مختلف و منجمله نحوه‌ی عضوگیری و شکل تشکیلاتی، از سطح برتری نسبت به بقیه‌ی ارگانهای حزب برخوردار بود. عده‌ای از اعضای سازمان نظامی علیرغم توصیه‌هایی مبنی بر اظهار ندامت در برابر رژیم شاه هم‌هنگام تحمل شکنجه و هم‌درسیدانگه‌های رژیم، سرخستانه از آرمانهای خود دفاع کردند و شهادت را بر سربردگی و زندگی آرام برگزیدند. روزبه یکی از مظاهر این استقامت و پایداری است. البته تلاشهای او و هم‌زمانش نتوانست در میان سرکوب وحشیانه‌ی رژیم و خیانتها و فرصت‌طلبی‌های متوالی راه به جایی ببرد.

تلاشی سازمان نظامی و دستگیری و شهادت روزبه

یک سال پس از کودتا یعنی در مرداد سال ۳۳ یکی از کادرهای سازمان نظامی به نام عباسی با یک چمدان کتاب و مدرک بازداشت می‌شود. "روزبه" بیش از حد روی مقاومت عباسی حساب می‌کرد، ولی پیش بینی او غلط از آب درآمد و عباسی زیر شکنجه‌های وحشیانه‌ی دژخیمان بختیار، دفترهای رمز سازمان و دفترچه‌ی رمز مثلثاتی اسامی را لو داد، و به این ترتیب یورش پلیس به سازمان نظامی آغاز گردید. گروهی از افسران گریختند ولی حدود شصت تن از آنان دستگیر شدند که از این عده جمعا ۲۷ نفر اعدام و عده‌ی زیادی به حبس‌های طولی‌المدت محکوم شدند. اولین دسته، مرکب از ۹ افسر که در میان آنان سرهنگ سیامک و سرهنگ میثری نیز بودند، روز ۲۷ مهر ۳۳ به همراه

در رشت چه گذشت؟

به نظر شما چه کسی مسؤل این جنایت است؟



احمد گنجهای یکی از هواداران مجاهدین خلق که در حوادث اخیر رشت در خیابان تختی به شهادت رسید.

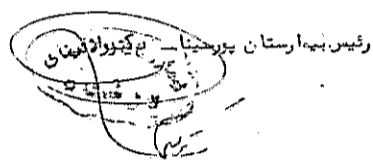


جمعیت شیر و خورشید سرخ رشت

ایمارستان پورسینا

گواهی میشود: ...

آقای احمد گنجهای در حدود ساعت ۱۲ روز ۲/۱۹ در بعلت تیر خوردگی به بیمارستان مراجعه پس از تقریباً نیم ساعت با وجود تمام تلاشها که برای نجات وی بعمل آمد بعلت تاخیر بین قوت نمود.



هوشیاری انقلابی خود را - در قبال حرکت احتمالی آمریکا بالا ببریم!

به دنبال تهاجم نظامی امپریالیسم آمریکا به ایران و هم - چنین عدم اطلاع مقامات مسؤل مملکتی از این تهاجم، اخبار گوناگون دیگری از توطئه‌های احتمالی این دشمن غدار به دست ما رسیده است. مردم بخصوص در منطقه‌ی طیس، با هشیاری کامل خود هر گونه حرکت و پرواز مشکوک را پی‌گیری کرده و نسبت به آن حساسیت نشان می‌دهند یکی از رسانه‌های گروهی در منطقه، اظهار داشته که پیاده شدن ۷ هلی - کوپتر قطعی می‌باشد بر اساس برخی اخبار هلی کوپترهای فوق - الذکر در ۲۰ کیلومتری محل قبلی فرود هلی کوپترها در طیس، فرود آمده‌اند. همچنین، رادار پایگاه هوایی بندر عباس در شب ۲/۱۹ هلی - کوپتری را در حوالی سیرجان نشان داده است. گفته می‌شود روز هفده اردیبهشت نیز یک کشتی یابری هلندی یا رومانیایی، پشت تنگه‌ی هرمز آتش گرفته که هنوز علت آن مشخص نیست، در مشهد در تاریخ ۲/۱۹ در مقابل، ساختمان اتاق بازرگانی محل نگهداری گروگان‌های

جواب به روزنامه‌ی جمهوری

در روزنامه‌ی جمهوری مورخ شنبه، ۲۰ اردیبهشت تراکتی به چاپ رسیده بود که حکایت از این می‌کرد که کاندیدای تهران ما برای استفاده از محبوبیت حزب !! نامش به عنوان عضو حزب تبلیغ شده است. اولاً خوب بود که می‌گفتند این تراکت توسط چه کسانی چاپ و پخش می‌شده است. چرا که در آن صورت ما یقیناً بخاطر هتک حیثیت مان علیه آنها اعلام جرم می‌کردیم. ثانیاً گمان نمی‌رود که نفس استفاده از تبلیغ به نام حزب را بی‌آورد. ثالثاً مجاهدین خلق ایران حتی همین امروز نیز چوب این را می‌خورند که اساساً وارد باند بازیها و دسته‌بندیها نمی‌شوند. تاریخ ۱۵ ساله سازمان نشان می‌دهد، که در ورای همه‌ی هیاهوها و باند بازیهای رایج، مجاهدین فقط سر به انقلاب ایران سپرده‌اند. این سابقه بافتی را برای مجاهدین بوجود آورد که برخلاف احزابی که همچون قارچ پس از انقلاب زائیده شده‌اند و موجودیت خود را مدیون ریزه‌خواری از این و آن هستند! استفاده از چنین شیوه‌های مبتدلی در درون خود ما ایجاد دافعه می‌کند. خلاصه اینکه تا بحال دیده نشده است که یک سازمان انقلابی از وجهی یک حزب دست‌راستی بهره‌گیرد. و هر چه بوده سوء استفاده‌های ارتجاعی از ارزشها و نام انقلابیون و شهیدانشان و ... بوده است و بس. در خانه اگر کسی است یک حرف بس است.

از علاقمندان تقاضای می‌شود که کمک‌های مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره "۱۳۰۰" بانک صادرات شعبه ۳۵۹ واقع در بلیچ شمیران واریز نمایند، و حوالی آن را به صندوق پستی تهران ۶ (شماره ۶۴/۱۵۵۱) ارسال دارند.

روزنامه‌ی مجاهد نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱